

پنج سال قبل	امروزه
۸۸ درصد	۷۸ درصد
۳ درصد	۳ درصد
۹ درصد	۱۹ درصد
۸۳ درصد	۷۹ درصد
۵ درصد	۳ درصد
۱۲ درصد	۱۸ درصد
۷۶ درصد	۵۲ درصد
۲ درصد	۲ درصد
۲۲ درصد	۴۶ درصد

زنان به تنهایی  
 مردان به تنهایی  
 زنان و مردان باتفاق یکدیگر

**نظافت**

زنان به تنهایی  
 مردان به تنهایی  
 زنان و مردان باتفاق یکدیگر

**بچه داری**

زنان به تنهایی  
 مردان به تنهایی  
 زنان و مردان باتفاق یکدیگر



بدین ترتیب مشاهده میفرمائید که سهم مردان در کارهای خانه زیاد شده است و مخصوصاً باتفاق زنان خود در همه کارها شرکت میکنند.

تحقیق مجله‌الترن بعلاوه نشان میدهد که :

**در آشپزی:** مردان در تهیه صبحانه و شام بیشتر کمک میکنند. و معمولاً در تهیه غذای گرم آنها مشارکت ندارند و اینکار را زنان به تنهایی انجام میدهند.

**در نظافت:** مردان سعی می‌کنند از دست زدن مستقیم به نظافت یعنی جارو کردن شستن لباس و غیره خودداری کنند ولی در حاشیه اینکارها مانند گردگیری، اتو کردن و تا کردن و جمع آوری لباسها ممکن است کمک کنند.

**در بچه داری:** مردها در این مورد از حمام کردن و لباس پوشانیدن بچه‌ها خودداری میکنند ولی حاضر به نگاهداری و سرگرم کردن و حتی گردش بردن آنها هستند.



# پدر بزرگها و مادر بزرگهای امروزی

نوشته فرناند ایزامبر

ترجمه: دکتر آصفه اصفی دانشیار دانشسرای عالی

و رفقایشان جویای جا و مکانی هستند و اکثراً هم در اینکار موفق نمی‌شوند. شاید بدلیل نداشتن تجربه کافی یا مدارک لازم و با اینکه اصولاً به مسائل دیگری علاقمندند و این تکاپو فقط تظاهری بیشتر نیست که خود را بی تفاوت نسبت به افکار دیگران جلوه میدهند. باید توجه داشت که پدر بزرگ و مادر بزرگ چهل و چهار و پنج ساله نوه‌هایشان بسیار کوچکند و در موقع شصت سالگی می‌توانند براحتی نوه‌های شانزده ساله و یابیشتر داشته باشند. باید متذکر شد که پدر بزرگها و مادر بزرگها در هر حال اگر بخواهند میتوانند برای حفظ و جلب اعتماد غیر منظم و بهم ریخته جوانان، تلاش‌هایی بکنند میتوانند به آنان اجازه دهند که آزادانه برایشان حرف بزنند و آنها در مقابل بی‌نظر بمانند (با اصطلاح گوش به درددل‌هایشان بدهند) بهترین کمک و جالب‌ترین و دلپذیرترین هدیه آنان بجوانان ایجاد حسن تفاهم است که جوانان مانند پناهگاهی امن بسویشان بروند و همیشه امیدگم شده‌شان را در آغوش مهربان این سالخورده‌گان عزیز بازیابند. اگر از جوانان غافل باشیم

مادر بزرگ بگردند، افرادی که در نظرشان بازمانده دوران دیگرند. در وضع فعلی این افراد فرزندانشان را با زندگی و روش تطبیقی بزرگ کرده و شاید هم افکار پیشرفته‌ای را تبلیغ و اعلام مینمایند. اما این منطق تحریک‌کننده و رفتار مجاز فعلی آنان چیزی جز عوام‌فریبی نمیتواند باشد. عده دیگری از جوانان هستند که منزل و ماوای خود را رها ساخته و در نزد دوستان

بعضی از جوانان سنکرل‌زوم حمایت خانوادگی هستند شاید اینها آنهایی باشند که از خانواده پدر بی‌بهره بوده و از خانواده پدری دور بوده‌اند. اینها در تنهایی و ناامیدی زندگی کرده‌اند تا حدیکه امروز می‌توانند از خود دفاع کنند. غالباً نه بخدا معتقدند و نه عشق و علاقه‌ای عمیق و دائمی را احساس می‌کنند تنها چیزی که اغلب در سغز و فکرشان خطوط می‌کند این است که به پدر بزرگ و



در مخالفت یا موافقت با آنان  
اختیار و انتخابی وجود ندارد .  
غفلت از آنان بمنزله رد آنهاست  
پدر بزرگها و مادر بزرگهای  
اسروزی باید بدانند که عقربه  
زمان بعقب برنمیگردد ؟ باید  
سعی کنند بجای آنکه جویای  
مطالب باشند آن ها را درك  
کنند ، بفهمند وبه جوانان  
بیشتر راه بدهند .

یک جوان تا تجربیات  
لازم را بدست نیاورد کارآمد  
نمیشود کارش هر چه باشد  
شهری یا روستائی باید سعی  
کند که با تازگی های صنعتی  
آشنا شود ، در باره کلاتسالان  
هم وضع بهمین ترتیب است  
آنها موفق نمیشوند مگر اینکه  
باطناً و قلباً از دنیا کناره گیری  
نکرده باشند ، آنها باید مطالعه  
کنند نسبت به همه تغییرات  
علاقه نشان دهند وقلا و  
بدون مطالعه انتقاد نکنند ،  
مطمئناً همه نمیتوانند در جریان  
تحقیقات علمی قرار گیرند ولی  
بهر حال این را هم باید دانست  
که شخص نمیتواند خود را  
زنده بحساب آورد مگر اینکه  
بدنیای اسروز و مسائلی که مورد  
توجه مردمان این روزگار است  
اظهار میل وعلاقه کند وقبول  
کند که برای خودش جائی  
در این عرصه وسیع پیدا کند ،  
نه اینکه همیشه بدوره قبل  
برگردد وبگوید : من کار خودم

احساس نکرده و بسوی اصولی  
که بنظرش مرده وفنا شده  
میرسد هدایت نمیشود . این  
نوع فکر وعقیده و اخلاق را  
پدر بزرگ و مادر بزرگ شاید  
زیر عنوان وشکل دیگر که با  
تحولات سریع دنیای فعلی قابل  
الطباق باشد می توانند کشف

را کرده ام اسروز همه چیز  
پیچیده شده است ، چرا سعی  
کنم که در جریان این مسائل  
قرار گیرم .

همکامی کهنسال با جریان  
روز اسری بسیار مهم است زیرا  
جوان خودش را محصور در  
قضاوتهای خشک وخشن

کنند که در نتیجه مسئله « حرف شنوایی » نوجوان و جوان آسانتر می شود زیرا گاهگاه با نظریه موافق و حسن ظن پدر و مادرهایشان روبرو میگردند .

پس چیزیکه پدر بزرگ و مادر بزرگ امروزی را بهتر توجیه مینماید ، نزدیکی و روی باز آنهاست برابر با جوانان « از جوانان قدردانی لازم است زیرا اینها هستند که دنیا را میگردانند » در خانه ای که جوان نباشد افرادش خیلی زودتر پیر و شکسته می شوند ارتباط با جوانان زنده کننده و جانپرور است بشرطیکه ابداعات و مخالفتهایشان موجب عصبانیت و اوقات تلخی بزرگترها نشود .

کلیشه های کلاسیک پدر بزرگ و مادر بزرگهای زمان گذشته هنوز هم برای بعضی از جوانان تازه وزنده است آنها سعی می کنند آن کلیشه ها را که بصورت دشمنان پیشرفت و ترقی ظاهر می شوند از بین ببرند و آنهایی را که با فکر جوان سازگاری دارند مورد احترام قرار دهند .

پدر بزرگها و مادر بزرگها از لحاظ مادی ، عاطفی و روانی نیازهایی دارند که باید متذکر

شد . این احتیاجات بیشتر مربوط به سن آنها و موقعیت اجتماعی ویا بهتر بگوئیم در سطحی که قرار گرفته اند میباشد .

پدر بزرگها و مادر بزرگهای جوان مانند پدر بزرگها و مادر بزرگهای پیرتر از لحاظ حرکت و جایجا شدن ، سرما و گرما و امثال آنها نیازمند هستند ولی باز هم نشان میدهند که به استقرار علاقمند هستند ، این البته بیشتر در طبقات مرفه است و قتیکه در صدد خرید ملک ویا خانه ای هستند فکر میکنند که این خانه مثلا در شهر باشد یا در بیلاق در خانه مستقر شوند یا آپارتمان تهیه کنند ، چه میخواهند خانه شان محل اجتماع جوانان گردد و برای بدست آوردن این موقعیت تلاش بسیار می کنند :

معمولا پدر بزرگها و مادر بزرگها تمایل دارند و حتی نشان میدهند که به فرزندانشان احتیاج دارند و میل دارند که آنها نزدیکشان باشند و ارتباط معنوی و روحی بیشتری با آنها داشته باشند زیرا هر چه بیشتر روزها و سالها میگذرد مفهوم پیوستگی نسل ها برایشان اهمیت پیدا می کند . شاید به این دلیل است که متوجه می شوند زندگی ، این انتقال وجودی ( تحول نسل به نسل )

مهمترین مسئله ای بوده است که خود مجریش بوده اند .

اما جوانان که این احتیاجات را درک نمیکنند برای خودشان استدلال می کنند نباید آنها را آزار داد بهتر نیست که از آنها فاصله بگیریم چرا آنها برای خاطر ما کسل شوند و معذب گردند جوانان اکثراً به اهمیت این ارتباط زندگی بخش آگاه نیستند و فکر می کنند که خودشان هم بعداً در روزگار پیری رفتاری قوی تر و شهاست آمیزتر خواهند داشت و با تنهایی مقاومت خواهند کرد .

تا ناسیدی پاداش و جایزه پیران و کهنسالان نیست ! مسلم است که شکوه و عظمت خود بخود بوجود نمی آید و زمان لازم دارد ، زمانی دراز ، پس سعی کنیم که آنرا با بی تفاوتی محض نسبت به کلاتسال مخلوط نسازیم بی تفاوتی و سهل انگاری که وی را دچار اضطراب و اشتغال خاطر بسازد .

اینجا اگر از پیری سخنی بمیان آمد بیشتر شبیه است به ضمیمه و پیوست مطلب زیرا که پدر بزرگ و مادر بزرگ امروزی بطور کلی اشخاصی هستند که می توانند آینده شان را پیش بینی

عنوان سخنان سخنرانان در سومین دوره کلاسهای آموزش توجیهی بدین قرار بود:

شخصیت و رشد آن در نوجوانان - نقش تعلیم و تربیت در تکوین شخصیت نوجوانان - نقش کتاب و مجلات در تنویر افکار اطفال و نوجوانان - انتخاب رشته تحصیلی و وظایف - راهنمایان تحصیلی - نقش - انجمن‌های خانه و مدرسه و ارتباط آنان با انجمن اولیاء و

مربیان - یادگیری و روش‌های تعلیم مؤثر - بهداشت روانی و شناخت روحیات نوجوانان - معاشرت پسران و دختران و دوستی‌های دوره نوجوانی - بررسی مسائل جنسی در اطفال و نوجوانان - اوقات فراغت نوجوانان و نظارت در صرف اوقات فراغت - انحرافات روانی و اعتیادات اجتماعی جوانان - سخنرانان سومین دوره کلاس آموزش بترتیب عبارت بودند از :

آقای دکتر سیروس عظیمی

استاد دانشگاه ملی - خانم دکتر آصفه آصفی، دانشیار دانشسرایعالی - آقای دکتر رحمت مصطفوی، نویسنده - آقای دکتر شایخی، استاد دانشسرایعالی - خانم مهروش صفی‌نیا، نماینده مجلس شورای ملی - آقای دکتر اکرامی، رئیس گروه فرهنگی پویا - خانم مهری راسخ استاد دانشگاه تهران - آقای دکتر علیمحمد کاردان، رئیس دانشکده علوم تربیتی - خانم دکتر سرخوش، نماینده مجلس شورای ملی .

## چند بزرگها و مادر بزرگهای امروزی

کرده و بهترین برنامه‌ایکه برای کهنسالان اسروزی میسر است برای خود آماده و مهیا کنند .

اما بنظر می‌رسد به نسبتی که سن بالا می‌رود پدر بزرگها و مادر بزرگها هم احتیاج به تفکر بیشتر را احساس می‌کنند . این احساس نه تنها بدلیل این است که به خاتمه زندگی خود متوجه شده‌اند و از حرف زدن در باره اش خودداری می‌کنند ، بلکه باین علت هم هست نمی‌خواهند موقعیت کسالت‌آور و ناراحت کننده‌ای در محیط خود بوجود آورند .

ولی تفکر به زندگی ، به زندگی فرزندان و اطرافیان خودشان ، برای چیست ؟

این نسبت با زمان و با سکوت و آرامش بوجود می‌آید . آیا این معنی حقیقی « بازنشستگی » نیست ؟ کهنسالان میتوانند خود را با گذشته و حال مرتبط و متصل حس کنند . ولی آینده آینده‌ای حادثه‌زاکه انتظارشان را می‌کشد و ذهنشان را مشغول میدارد . آیا این اشتغال فکری برای آنان از آماده شدن برای مسافرت در اقمار مهمتر نیست ؟ پس جوانان باید برای

کسیکه با گرم شدن در آفتاب بهاری ویا کنار بخاری زمستانی احساس خوشی و لذت می‌کند احترام قائل شوند . افکارش هر چه باشد عمیق و سرشار یا ساده و میان تهی ، اما در درونش ( سرود شادمانی ) را عیناً مانند آهنگ کور و بی پناهی که بهتون تصنیف کرده است زمزمه می‌کند ، آنان را دوست بداریم و محترم شماریم و نمونه و سرمشقی باشیم برای همه آنها نیکیه می‌خواهند بدون تأسف و ناراحتی پیر شوند .

پایان